

# یک عضو غیر وابسته

هاروکی موراکامی

ترجمہی نیلوفر شریفی



کتاب گولہ پشی

## فهرست

- سخن مترجم ..... ۷
- یک عضو غیروابسته ..... ۱۳
- شهرزاد ..... ۶۱
- بخشی از مصاحبه‌ی نیویورک تایمز و پاریس ریویو با هاروکی موراکامی ..... ۹۷



## سخن مترجم

هاروکی موراکامی در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۴۹ در کیوتوی ژاپن به دنیا آمد. او در خانواده‌ای متولد شد که پدر و مادر استاد ادبیات ژاپنی بودند و همین دل‌بستگی دیرین به ادبیات، همواره در جسم و روان او جاری بود. موراکامی زندگی سختی را پشت سر گذاشت؛ تا آنجا که به کار در رستوران‌ها روی آورد.

او در یکی از مصاحبه‌های خود می‌گوید: «چون پدرم استاد ادبیات بود می‌خواستم کاری دیگرسان را به‌ثمر بنشانم، از این‌رو به خواندن آثار تولستوی، کافکا، و داستایفسکی پرداختم و بسیار شگفت‌زده شدم، و می‌توانم بگویم... داستایفسکی هنوز قهرمان من است.»

موراکامی نخستین رمانش را با عنوان آواز باد را بشنو در ۲۹ سالگی منتشر کرد و این رمان برنده‌ی جایزه‌ی ادبی «گونزو» شد. بعدها موراکامی چندین کتاب دیگر نیز چاپ کرد، اما جدی‌ترین دستاورد او در هنر نویسش با انتشار رمان جنگل نروژی در سال ۱۹۸۷ به‌دست آمد.

موراکامی در پی جنبش دانشجویی ژاپن در دهه‌ی ۱۹۶۰، وارد دانشگاه هنر و نمایش‌ و اسدای<sup>۱</sup> توکیو شد و همین فرایند زمینه‌ساز آشنایی او با همسرش، یوکو، و ازدواجش با او شد. این ازدواج در بالندگی اش تأثیر بسزایی داشت.



موراکامی با همسرش، یوکو، به اروپا سفر کرد و در سال ۱۹۹۱ در کشور آمریکا سکنی گزید. او در رشته نویسندگی بورسیه شد و توانست به‌عنوان استاد مهمان در دانشگاه پرینستون در نیوجرسی با علاقه‌مندان نویسندگی به گفت‌وگو بنشیند و تدریس کند.

اما بعدها در سال ۱۹۹۵ زلزله‌ای جانکاه شهر کوبه را لرزاند و فرقه‌ی آنوم شین‌ریکیو<sup>۱</sup> با توهم پایان یافتن جهان، صدها نفر را روانه‌ی بیمارستان کرد. این فرقه ابتدا بیشتر گروهی معنوی بود که با تلفیق ارزش‌ها و اعتقادات بودایی و هندوکار خود را آغاز کرده بود. مؤسس آنوم فردی به نام شیزو ماتسوموتو<sup>۲</sup> معروف به شوکو آسهارا<sup>۳</sup> بود که مادرزاد نابینا بود.

این فرقه در ۲۰ مارس ۱۹۹۵ با الهام از نوستراداموس و ادعای نزدیک شدن به پایان جهان و در نتیجه وقوع جنگ جهانی سوم با تبخیر گاز به مترو توکیو یورش بردند که در پی آن ۱۳ نفر کشته و شش هزار نفر مجروح شدند. موراکامی در خلال این حوادث به ژاپن بازگشت و سال ۱۹۹۷ یکی از آثار غیرداستانی‌اش را با عنوان زیرزمین منتشر کرد. او به تفصیل به شرح و چگونگی این فاجعه‌ی انسانی در مترو توکیو پرداخته است.

موراکامی، با تحقیق و پژوهش در زمینه‌ی ادبیات غرب آثار چشمگیری در کارنامه‌اش دارد. او آثار نویسندگانی چون اف. اسکات، فیتزجرالد، ریموند کارور، ترومن کاپوتی، و جی. دی. سالینجر را به زبان ژاپنی برگردانده است.

آثار موراکامی تاکنون به ۸۰ زبان دنیا ترجمه شده است و می‌توان گفت محبوبیتش در ایران به دلیل سبک نوشتاری اوست. اما باید سال ۲۰۰۹ را

1. Aum Shinrikyo
2. Schizo Matsumoto
3. Shoko Asahara

نقطه‌عطفی در کارنامه‌ی موراکامی به حساب آورد؛ زیرا او در این سال توانست در صدر فهرست نویسندگان پرفروش جهان قرار بگیرد.

از دیگر آثار برجسته‌ی موراکامی می‌توان به رمان کافکا در کرانه اشاره کرد که سال ۲۰۰۲ به ژاپنی، سال ۲۰۰۵ به انگلیسی و در ایران نیز سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷م) به فارسی ترجمه و منتشر شد.

جان آپدیک<sup>۱</sup> خودداری از نخواندن این کتاب را غیرممکن وصف کرد و خود موراکامی نیز در یکی از مصاحبه‌هایش کتاب یادشده را «ورزدهنده‌ی ذهن» نامید. این کتاب نیز در فهرست ده کتاب برتر سال ۲۰۰۵ نشریه نیویورکر قرار گرفت.

موراکامی از آن دسته نویسندگانی است که با رفتار ساده‌اش در زبان توانسته از فراز روایت‌های خویش به گستره‌ای از نویسش برسد که امروزه میان مخاطبان اغلب کشورها به نویسنده‌ای محبوب بدل شود. او در آفرینه‌های خود با تخیل و نگاهی رازآلود و ایجاد موقعیت‌های طنز و دیالوگ‌های دیالکتیکی در صدد ایجاد فضای سوررئال است.

کتاب داستان‌های مردان بدون زن، که دو داستان آن را در این کتاب پیش روی خود دارید، درباره‌ی شکست انسان معاصر در برابر ارزش‌های زندگی است؛ موراکامی با نگاه استیلایی‌اش روایت را به اعماق می‌برد و در پی یافتن درپچه‌ای است برای نظام‌مندی جهانی که می‌سازد و این فرایند انتقادی ریشه در تعاملات انسانی او دارد.

انسانی که با اکره‌ها به زندگی و حوادث غیرمعمول تن می‌دهد تا شگفتی خویش را از جهان پیرامونش ابراز کند. این تاریکی گاه آن‌چنان در شخصیت‌های داستان‌هایش سایه می‌اندازد که بُعد روانی آدمی را به رستاخیزی دیگرسان رهنمون